



در مسافرت شاملو به آمریکا

این نیز عکسی است از مسافرت احمد شاملو شاعر بزرگ ایران به آمریکا در سالهای ۱۳۶۹-۱۳۷۰. در این مسافرت که شاملو برای معالجه درد گردن به آمریکا آمده بود شبهای شعر متعددی در نقاط مختلف آمریکا دایر کرد و دوستان فراوانش موفق به دیدار او شدند. عکس فوق یکی از مهمانی های لوس آنجلس را نشان می دهد. اشخاص در عکس نشسته از راست: خواهر شاملو، احمد شاملو، ناصر شاهین پر اشخاص ایستاده از راست: احسانی همسر خواهر شاملو، نصرت الله نوح و چند دوست دیگر که متأسفانه نامشان را بخاطر ندارم

«آیدا» همسرش انجام داد. کاری که مواد اولیه آن بارها به غارت رفت و او از نو به جمع آوری آن پرداخت. شاملو در سال ۱۳۶۹ به آمریکا آمد، او بیشترین مدت اقامت خود را در سن حوزه کالیفرنیا گذراند و دوستان او فرصت یافتند تا دیداری پر و پیمان با او داشته باشند که من هم یکی از آنها بودم. مسافرت شاملو به آمریکا همزمان بود با مسافرت محمود دولت آبادی نویسندهٔ رمان رشک انگیز (بقول شاملو) کلیدر، دوستان شاملو و دولت آبادی فرصتی داشتند تا از این دو نویسنده و شاعر بزرگ دیدار و پذیرایی کنند.

پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز شاملو به مبارزه بی امان خود برای کسب آزادی ادامه داد. انتشار کتاب جمعه، تلاش در کانون نویسندگان ایران و همگامی و همکاری با سازمان های مترقی و سیاسی کشور، شاملو را مورد خشم و غضب حکومتگران تهران قرار داد.

اما او بی توجه به این کینه توزی های کار عظیم خود، جمع آوری، تنظیم و تدوین «کتاب کوچه» را دنبال کرد که تا امروز (در آستانه مرگ او) نه جلد از آن منتشر شده است. این مجموعه در حدود پنجاه جلد است. امیدواریم کار چاپ بقیه این کار عظیم همچنان دنبال شود و یکی از آرزوهای شاملو جامه عمل بپوشد.

تشکر از دوستان

از کلیهٔ سروران ارجمند، دوستان و شرکت کنندگان در کلاس حافظ سن حوزه، که در مدت بیماری و بستری بودنم، از طریق تلفن، نامه و عیادت، مرا مورد لطف قرار داده اند صمیمانه سپاسگزارم، چنانچه قادر به پاسخگویی به محبت این عزیزان نباشم با تمام وجود عذر خواهم و سلامتی و موفقیت آنها را آرزو مندم.

نصرت الله نوح

مؤسسه مشاوران مالیاتی

و خدمات حسابداری و حسابرسی

برومند و همکاران

به مدیریت همایون برومند سر ممیز مالیاتی سابق دولت کالیفرنیا

و با همکاری «سنیتا برومند» Attorney at Law وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال

* کلیه خدمات دفترداری، حسابرسی و حسابداری مشاغل کوچک، شرکت ها و مشارکت ها
* تهیه اظهارنامه های مالیاتی (Tax Return) برای اشخاص، شرکتها، مشارکتها و سازمانهای غیرانتفاعی
Gift Tax, Estate & Trust, Non-profit Organizations
* تهیه و تنظیم لوایح مالیاتی و دفاع در کمیسیونها و دادگاههای مالیاتی
* تهیه و تنظیم اظهارنامه های مالیاتی سه ماهه و سالانه جهت حقوق کارمندان Payroll Tax

• Tax Preparation • Monthly Bookkeeping • Tax Audits
• Appeals • Delinquent Tax Returns • Tax Court Strategies
• Tax Amendments • Tax Consulting • Offers In Compromise
• Installments plans • Levy Releases • Hardship Relief
• Payroll Taxes • Tax Planning

East Bay Office
Baroumand & Associated
375 Diablo Road., Suite 107, Danville, CA 94526
Tel: (925) 743-1877 Fax: (925) 743-1720

San Jose Office
Baroumand & Associated
3381 Stevens Creek Blvd., Suite 211, San Jose, CA 95117
(408) 984-5252

باد، در جامعهٔ کودتا زده و خفقان گرفته آنروزگار بر سر زبان ها افتاد، شعری بود که شاملو برای وارطان سالخانیان ساخت.

در فروردین ماه سال ۱۳۳۳ وارطان به همراه مبارز دیگری بنام کوچک شوشتری، روزنامه مخفی مردم را با یک اتومبیل سواری از چاپخانه بزرگ و مخفی حزب (داودیه)، به مرکز پخش می بردند. در بین راه به علت تصادف و یا علت دیگری راه پندان ایجاد شده بود و پلیس نیز با استفاده از موقعیت به بازرسی اتومبیل هایی که مشکوک بود می پرداخت، هنگام بازرسی اتومبیل وارطان و کوچک شوشتری، پلیس موفق به کشف روزنامه های مردم که تازه از چاپخانه بیرون آمده و هنوز «تا» نخورده بود شد.

آنها راهی برای فرار نداشتند و پلیس آنها را دستگیر کرد و به شکنجه گاه فرمانداری نظامی تحویل داد. هر دو نفر زیر شکنجه های وحشتناک قرار گرفتند ولی هیچکدام لب از لب نگشودند کوچک شوشتری زیر شکنجه جان باخت. چون مأمور شکنجه، کلاه خودی را که بر سر کوچک گذاشته بود پیش از حد تنگ کرده بود جمجمه اش ترکید. شکنجه گر وارطان را بالای پیکر درهم شکسته دوستش برد و گفت: اگر حرف نزنای سرنوشت او را پیدامی کنی. وارطان گفت: همه وحشت من از این بود که نکند رفیق من نتواند شکنجه را تاب بیاورد و حرف بزند، حالا که دهن او بسته شده، مطمئن باش که از من چیزی نمی توانی در بیاوری.

وارطان مجدداً زیر شکنجه قرار گرفت و سرانجام زیر شکنجه مرد و حرف نزد. جسد هر دو را که در هم شکسته بود در رودخانه جاجروود انداختند. شاملو با وارطان در زندان آشنا شده بود و از میزان مقاومت او در برابر شکنجه گران به شگفتی و اعجاب آمده بود. او در مصاحبه با مجله «زمانه» چاپ سن حوزه در این باره می گوید:

«من او را پیش از بازجویی دوم در زندان موقت دیدم که در صورتش داغ های شیار دار پوست کنده شده به وضوح نمایان بود. در شکنجه های طولانی بازجویی های مجدد بود که وارطان در پاسخ سؤال های بازجو، لب از لب باز نکرد و حتی زیر شکنجه هایی چون کشیدن ناخن انگشتان و ساعات متمادی تحمل دستبند قیانی و شکستن استخوان های دست و پای خویش حتی ناله ای نکرد.

شعر، نخست «مرگ نازلی» نام گرفت تا از سد سانسور بگذرد. اما این عنوان، شعر را به تمامی وارطان ها تعمیم داد و از صورت حماسهٔ یک مبارز بخصوص درآورد»

مرگ نازلی

«-نازلی! بهار خنده زد و ارغوان شکفت.

در خانه، زیر پنجره گل داد یاس پیر

دست از گمان بدار!

با مرگ نحس پنجه میفکن!

بودن به از نبودن شدن، خاصه در بهار...»

نازلی سخن نگفت،

سرافراز

دندان خشم بر جگر خسته بست و رفت...

«-نازلی! سخن بگو!

مرغ سکوت، جوچهٔ مرگی فجیع را

در آشیان به بیضه نشسته است! * * *

نازلی سخن نگفت،

چو خورشید

از تیرگی برآمد و در خون نشست و رفت...

نازلی سخن نگفت

نازلی ستاره بود

یک دم در این ظلام درخشید و جست و رفت...»

نازلی سخن نگفت

نازلی بنفشه بود

گل داد و

مژده داد: «زمستان شکست!»

و رفت...»

همانطور که شاملو اشاره کرد، شعر با عنوان «مرگ نازلی» منتشر شد ولی همه، به غیر از سانسورچیان می دانستند که شعر، در مرگ وارطان سروده شده است. لحن خطابی شعر، توصیف بهار در برابر شکنجه های وحشتناک، موزیک قافیه و ردیف... بست و رفت»، پایان بندی هر پاراگراف شعریا تصویرهای زنده و جاندار، آنرا بصورت یکی از موفق ترین شعرهای شیوه نیامی درآورد و بسیاری آنرا از بر کردند و در همه جا می خواندند. من نیز در همان زندان تحت تأثیر این شعر شاملو شعری ساختم با عنوان «باید چگونه مرد تا جاودانه زیست؟» و کوشش کردم از نظر فرم، وزن، شکل و محتوی در همان زمینه حرکت کنم تا چه حد موفق بوده ام نمی دانم.

شاملو در زندان

در زندان نیز شاملو بیکار نبود، یا راه می رفت و شعری ساخت و یا در اتاق خود می نشست و می نوشت. تا جایی که بخاطر دارم در زندان قصر، شاملو مشغول نوشتن «دستور زبان فارسی» بود. این کتاب را تا کجا نوشت و به کجا رساند و اینک در چه حالی است نمی دانم. کار دیگر شاملو، بررسی و تجزیه تحلیل داستانها و شیوهٔ بیان و بافت شاهنامه فردوسی بود. مقاله ای از این دست کارهای شاملو، در همان زمان در روزنامه یا مجله ای که مخفیانه در زندان قصر نوشته می شد و دست بدست بین زندانیان سیاسی می گشت درج شده بود.

شاید دوستان تعجب کنند که این چگونه زندانی بوده است که زندانیان روزنامه و مجله هم در آن منتشر می کردند! این نشریه با قطع جیبی تهیه می شد و مطالب آن عبارت بود از شعر، داستان، بررسی های سیاسی- ادبی مطالب این نشریه از گوشه و کنار زندانها تهیه می شد و نویسنده و خطاط آن نیز آقای هوشنگ طاهر پدر بود که فعلاً مقیم سان دیه گوست و یکی دیگر از دست اندرکاران این نشریه آقای فریدون هدایت پور بود که ایشان نیز به قول هدایت، دست بر فضا، در کالیفرنیا (سان لی آبیسیو) ساکن است. این نشریه بین «خودی» ها رد و بدل می شد و از بندی به بند دیگر زندان می رفت.



ویلیام گور گیز زاده

پزشکیار و مترجم زبانهای

انگلیسی، فارسی، ارمنی و آسوری

* مترجم رسمی مطب پزشکان، روانپزشکان، دفاتر خدمات و تأمین اجتماعی و نیز سازمانهای دولتی وابسته به سانتاکلارا کانتی.

* ترجمه اسناد و مدارک طبی، علمی، ادبی، حقوقی، شناسنامه و گواهینامه به زبانهای فارسی- ارمنی- آسوری و انگلیسی.

* ترجمهٔ متون پرونده های امور مهاجرتی، تهیه و تحریر شرح حال (Resume) جهت استخدام، مشاوره و پر کردن فرمهای مختلف در رابطه با سازمانها و مراکز دولتی و خصوصی.

* کلاسهای سبزی زن شیپ و تدریس زبان انگلیسی توسط استاد مجرب و تحصیل کردهٔ ایران و آمریکا و با استفاده از علم روانشناسی.

۹۱۳۸-۲۲۶ (۴۰۸)

Pager: (408) 819-0222